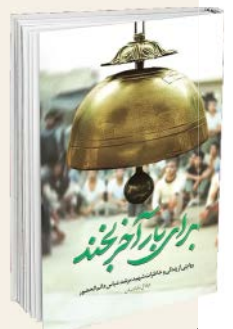


برای بار آخر بخند

کتاب «برای بار آخر بخند» نوشته جلال نقاشیان توسط انتشارات شهید کاظمی به کتابفروشی‌های معتبر کشور عرضه شد. این کتاب اثری روایی و تازه در حوزه داستان نوجوان است. این اثر که به قلم جلال نقاشیان و با همکاری مشترک فدراسیون ورزش‌های پهلوانی و مؤسسه فرهنگی و هنری آفاق مدیا گستر به رشته تحریر درآمده با نگاهی متفاوت به زندگی یکی از جوان‌ترین مرشد‌های زورخانه به نام مرشد عباس دائم‌الحضور، داستانی متفاوت از او و رفیق شفیقش پهلوان سعید طوقانی را بازگو می‌کند.

عباس که در جنوبی‌ترین نقطه شهر تهران زندگی می‌کند، از همان دوره نوجوانی با ممارست و به‌رغم قوانین زورخانه برای ورود بچه‌ها به گود، پایش به این مکان مقدس باز می‌شود و کم‌کم در کنار پیرمردهای مرشد ضرب می‌گیرد. برای بار آخر بخند، داستان جوانمردی مرشد عباس به پای رفیقی است که روزی قهرمان چرخ زورخانه ایران بود و روزی دیگر یک قهرمانی جاودانه را تجربه کرد.



- نویسنده: گابریل گارسیا مارکز
- ترجمه: بهمن فرزانه
- انتشارات: امیرکبیر
- قیمت: ۴۵۰ هزار تومان



جوان همواره در حال رشد است و رشد روحی و روانی وی در ارتباط مستقیم و متقابل با رشد جسمی اوست. هنگامی جریان رشد، حالت طبیعی به خود می‌گیرد که او از نظر فکری و اعتقادی در جهت صحیح و در مسیر طبیعی برنامه‌های تکامل نظام آفرینش قرار گیرد. بنابراین، جوان، برای رشد روانی و سازندگی خود، نیازمند کسب مهارت‌های ویژه‌ای است. این کتاب همچنین به «انحرافات جنسی این دوران و راه درمان آن» می‌پردازد و در این باره مطالبی مانند نگاه واقع‌بینانه داشتن و چگونگی معاشرت و خویش‌ن داری جوان را تبیین می‌کند. این کتاب در دو فصل تالیف شده است.



رمان «صد سال تنهایی» نوشته گابریل گارسیا مارکز با ترجمه بهمن فرزانه به چاپ سی‌وهفتم رسید. این کتاب که نخستین بار در سال ۱۳۵۳ در ایران منتشر شده، در طی دهه‌ها یکی از آثار مطرح در بازار کتاب فارسی بوده و همچنان با مخاطبان جدیدی روبه‌رو می‌شود. این کتاب داستان چند نسل از خانواده بوئن‌دیا را در دهکده‌ای خیالی به نام ماکوندو روایت می‌کند. اثری که به دلیل تلفیق عناصر واقعیت و خیال، یکی از نمونه‌های شاخص در سبک رئالیسم جادویی به شمار می‌آید. بهمن فرزانه، مترجم این کتاب، با نثری روان و نزدیک به سبک نویسنده، از همان ابتدا ترجمه‌ای قابل قبول ارائه داده است.

- نویسنده: رضا فرهادیان
- انتشارات: مؤسسه بوستان کتاب
- قیمت: ۸۵ هزار تومان



گذری بر مجموعه داستان «یک گل سرخ برای امیلی» اثر ویلیام فاکنر با ترجمه نجف دریابندری

زندگی دشوار سیاهپوستان

رخ می‌دهند. مکان و زمانی عالی که دوره بومی‌های سرخپوست آمریکا تا زمان استقرار سفیدپوستان، دوران برده‌داری، مزارع بزرگ، جنگ‌های داخلی آمریکا و انتقال از دوره کشاورزی به دوره صنعتی را دربر گرفته است. در واقع فاکنر در تمامی آثارش وضعیت بشر را با مفاهیم متناقض جدایی‌ناپذیری در کنار هم آشکار می‌کند. به‌گونه‌ای که وی تمام صفات درونی شخصیت‌ها را به نمایش می‌گذارد و فقط راوی حماسه، دل‌آوری و وپایداری نیست. بنابراین خواننده با همه آنچه که شخصیت واقعی از خود بروز می‌دهد، روبه‌رو می‌شود نه صرفاً قهرمان آرمانی که پایان‌بندی باشکوهی را رقم می‌زند. داستان‌های این مجموعه، خاصه داستان «یک گل سرخ برای امیلی» روایت حرکت از زندگی

اشرافی به دوره مدرن است. امیلی نماد بازمانده و عضوی جامانده از این دوران است که حاضر نیست این حرکت و عبور را بپذیرد. در این داستان فاکنر با ضمیر «ما» داستان را روایت می‌کند. زاویه دیدی که نگاه، احساسات و عقیده مردم را بیان می‌کند به‌گونه‌ای که انگار قرار است بیانیه یا مانیفیستی دسته‌جمعی قرائت شود. این مجموعه بیشتر حول محور طبقه کارگر و زندگی دشوار برده‌ها، سیاهپوستان و زاغه‌نشینان می‌گردد. اختلاف بیش از ۳۰ سال در نگارش سه داستان اول با سه داستان دوم در عین تشابه و حفظ سبک، تفاوت‌های قابل توجه و فاحشی دارند که مخاطب را به چالشی هیجان‌انگیز می‌کشند.



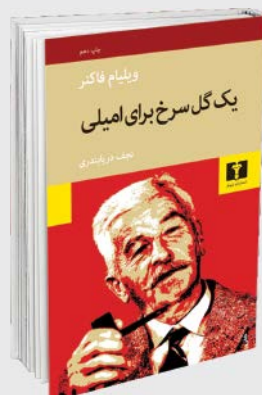
سعیده اسداللهی

منتقد ادبی

ادبیات مدرنیست زیبایی‌شناسی کلاسیک و اخلاق‌گرایی مفرط را در حالی رد می‌کند که به استفاده از تکنیک‌های جدید برگرفته از روان‌شناسی، تکیه بر تجربه‌هایی در زمینه دیدگاه و عقیده، زمان، مکان و سیلان ذهن دست می‌زند. چهره‌هایی چون ویرجینیا وولف، جیمز جویس، تی‌اس الیوت، پروست، کافکا و ویلیام فاکنر از این دسته هستند. در مدرنیسم تاکید بیشتر بر ذهن‌گرایی است، این‌که ذهنیت چگونه عمل می‌کند و چه چیزی ادراک می‌شود.

مدرنیست‌ها از فرم‌های قطعه‌قطعه، روایت‌های ناپیوسته و تکه چسبانی استقبال می‌کنند. چنان‌که در رمان «خشم و هیاهو» فاکنر غالباً شاهد روایت‌های پراکنده، حتی مینیمال هستیم. مدرنیسم همچنان به جست‌وجوی معنا در اثر هنری بوده؛ چنان‌که امیدوار است هنر بتواند وحدت، انسجام و معنایی را که در زندگی مدرن از دست رفته است فراهم آورد. شیوه مینیمالیستی فاکنر در نوشتن

و توجه‌اش به جریان سیال ذهن از وی نویسنده‌ای منحصر به فرد ساخته که گاه خلق مکان‌هایی خاص و ایجاد فضایی گوتیک، به عمق درونمایه آثار وی کمک کرده است. داستان‌های فاکنر در بستر مکانی خیالی به نام «یوکتا پاتوفا» در شمال رودخانه «می‌سی‌سی‌پی»



چند خط برای کتاب «شب وحشت» نوشته سیدسعید هاشمی

درباره پسر عموی امام حسین (ع)

امام برای آنها نوشته به دست‌شان می‌رساند. همه آنها با خواندن نامه امام گریه می‌کنند. مسلم چند روز در کوفه می‌ماند و بزرگان کوفه را می‌بیند. همه جابه‌جا می‌آیند و او را می‌بینند. و همه می‌خواهند او را ببینند. بالاخره نماینده جمع بزرگان نامه‌ای برای امام می‌نویسد و برای او می‌فرستد. خیلی زود خبر می‌رسد به مردم که امام نزدیک کوفه است ولی مسلم باور

نمی‌کند و می‌گوید که این خبر دروغ است. همه مردم جلوی دروازه کوفه جمع می‌شوند که از امام استقبال کنند. کاروان که نزدیک می‌شود همه اشک شوق می‌ریزند و خیال می‌کنند که امام حسین (ع) آمده اما سپاه عبیدالله بن زیاد است که به کاخ یزید می‌رود. او همه را تهدید می‌کند که اگر قیام و شورش کنند و امام حسین (ع) را بخواهند آنها را می‌کشد. مسلم بن عقیل می‌فهمد که دیگر نباید در کوفه بماند و باید این خبر را به امام حسین (ع) بدهد که مردم از حرف‌های عبیدالله ترسیده‌اند و دیگر نمی‌توانند از امام حمایت کنند. مسلم نیمه‌شب به خانه هانی می‌رود چون عبیدالله دنبالش می‌گردد. بعد از چند روز عبیدالله می‌فهمد که مسلم در خانه مختار بوده و مختار را به سپاه چال می‌اندازد و... بقیه این داستان تاریخی و مهم را در این کتاب بخوانید و در مسابقه‌اش شرکت کنید.



نازنین فاطمه امیرفرجی

نوجوان کتابخوان

سلام دوستان خوبم. کتابی که می‌خواهم امروز به شما معرفی کنم را چند ماه پیش خواندم و در مسابقه کتاب خوانی‌اش شرکت کردم. این کتاب

درباره مسلم بن عقیل، پسر عموی امام حسین (ع) است. با خواندن این کتاب شما می‌توانید در مسابقه کتاب خوانی مجموعه گفتنی‌های عاشورا شرکت کنید. صفحه اول این کتاب پنج سؤال دارد که ما می‌توانیم بعد از خواندن داستان به آنها جواب دهیم و در مسابقه شرکت کنیم. این کتاب را آقای سیدسعید هاشمی نوشته و در انتشارات

جمال منتشر کرده است. این داستان قبل از عاشورا اتفاق می‌افتد. مسلم به کوفه می‌آید و مختار را می‌بیند و مختار آن را به خانه‌اش می‌برد و به او می‌گوید که مردم کوفه از حکومت یزید ناراضی هستند و باید امام حسین (ع) به اینجا بیاید. مردم کوفه نامه‌های زیادی برای امام فرستاده بودند که به کوفه برود. مسلم هم به کوفه رفته بود تا ببیند شرایط آنجا چطور است. فردای آن روز مختار به چند نفر از دوستانش خبر می‌دهد که مسلم به کوفه آمده و آنها از مسلم بسیار استقبال می‌کنند و او نامه‌ای را که

